حمل کلمه «وسّع» بر توسعه ظرفیت ظهور حقیقت قرآن

اما در کلمه «وسّع» ندارد که اینها ضعیف هستند. نقص و ضعف ندارد، واژه زیبایی است. اگر امت من بر یک حرف بخوانند، آن ظرفیتی که قرآن -کتاب تو- دارد در بستر امت اسلامی به ظهور تام نمی‌رسد. وسّع یعنی قرآن کتاب تو است، وقتی به حرف واحد خوانده می‌شود در امت یک ظرفیتی را ایجاد می‌کند. وسّع علی امتی؛ خدایا من می‌بینم که این کتاب تو چیست لذا وسّع علی امتی. یعنی کاری شود که این کتاب در امت من گسترده شود. با سبعة احرف، نزول معارف قرآنی بین آنها، وسعت اطلاعات پیدا کند.اگر به این صورت معنا کنید کلام است؟ ای علوم قرآنی است؟ علوم قرآنی است. یعنی دارید طوری صحبت می‌کنید که علوم قرآنی است.

اما شاهد این مطلب چیست؟ نسبت به شاهد خیلی مطالب جالب و جذابی هست. دیروز هم عرض کردم وقتی صحبت بود که جوهره قرآن چیست، ظاهراً از کتاب لوامع صاحب قرانی مرحوم مجلسی اول بود. عبارتشان در فدکیه هم هست. مرحوم مجلسی اول فرموده بودند برای من یک مکاشفه ای شد و در آن حالت بدن و هیکل نورانی پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را دیدم. چون خیلی وقت گذشته عین عبارت ایشان یادم نیست. بعد فرمودند بعد از اینکه از آن حال به حال خود آمدم -ایشان آدم جزاف گو نیستند- الآن به هر آیه‌ای که نگاه می‌کنم لایتناهی معنا از آن به ذهن من می‌آید. یعنی یک عالم جا افتاده‌ای که جزاف گو نیست و صادق است، این حرف را بزند ما نباید تأمل کنیم که چه می‌گوید؟! آن هم تازه غیر معصوم است. پس ببینید دستگاه قرآن چه خبر است! یک عالم می‌گوید حال من در یک مکاشفه به اینجا رسیده. لایتناهی معنا از یک آیه به ذهنم می‌آید. این را در نظر بگیرید. حالا پیامبری که مخزن قرآن است، به او چه می‌گویند؟يأمرك ان تقرأ القرآن علی حرف واحد؛ خب یک لفظ است که بین امت آمده است. آیا آن چه که قرآن است و به نحو حرف واحد می‌فرمایند «یامرک ان تقرا»، آن قوه و آن جوهره ای که در قرآن است با حرف واحد ظهور می‌کند یا نه؟ نه. لذا در خواست حضرت درخواست از حکمت است. یا رب وسّع علی امتی. این حرف واحد را بر امت من وسعت بده که آن جوهره و آن چیزی که از قرآن است ظهور کند.

شاگرد: چرا خود خداوند متعال با حکمتی که داشتند این کار را از ابتدا نکردند؟ تا پیامبر چند بار اصرار کنند.

استاد: احسنت. اتفاقا این روایات وسّع و خفّف مموهات توضیح آن اصل است. یعنی اینها می‌گوید چرا این سؤال می‌تواند باشد و چرا این توسعه می‌تواند صورت بگیرد. توسعه خدا که جزاف نیست. اتفاقا این توسعه ها کاشف از این است که خداوند قبلاً یک کاری کرده که حالا این تخفیف طبق آن است. آن کار اصلی همانی است که در روایت بعدی به آن می‌رسیم. یعنی با لحاظ «نزل القرآن علی سبعة احرف»، خداوند قرآن را تدوینی کل تکوینی و نفس الامر قرار داده است. در عالم ثبوت قرآن، تدوینی تکوینی است. لذا غیر از خدا کسی نمی‌تواند صاحب قرآن باشد. این فقط مختص او است چون علم به کل نفس الامر برای خودش است.

من در آن صفحه عرض کرده‌ام. آیات تحدی خیلی عجیب است. ما از آن‌ها همین‌طور در می‌شویم و می‌رویم. آیه می‌فرماید اگر جن و انس جمع شوید؛ «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا[1]». بعد چه می‌گوید؟ در همه آیات تحدی به این صورت است. «فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[2]». آیات تحدی سه-چهار مورد است که همه را در فدکیه آورده‌ام. نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است: وقتی تحدی می‌کند و می‌گوید اگر نتوانستید بدانید که به علم الله است. یعنی چرا نمی‌توانید؟ چون یک چیز اختصاصی خدا است. به علم خدا نیاز دارد. این خیلی جالب است. چرا نمی‌توانید؟ چون ریخت قرآن ریختی است که محتاج به علم خدا است. وقتی خدا یکی است و علم او هم یکی است و برای خودش است و این قرآن طوری است که محتاج علم او است، پس کسی غیر از او نمی‌تواند آن را بیاورد. این قدر زیبا تحدی می‌کند. همه آیات آن هم این را دارد.

شاگرد: با توجه به سخا و لطافت حضرت و دلالت عدد سبع بر کثرت در روایات، می‌توان گفت حضرت در خواست وسیع تری از هفت وجه داشته اند؟

استاد: مانعی ندارد. دیروز بحث شد که منظور از سبعه، سبعة ابحر باشد. مثال به سبعة ابحر زدم؛ «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ[3]»، در اینجا کسی به ذهنش نمی‌زند سبعه اگر ثمانیه شد چه می‌شود. سبعه یعنی خیلی زیاد.

---

[1] الاسراء ۸۸

[2] هود ۱۴

[3] لقمان ۲۷

بازبینی #2
ایجاد شده 9 آوریل 2024 14:15:11 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 مه 2024 16:44:12 توسط ... .